

بررسی فرایندهای واجی در گویش کردی فیلی (ایلامی) در قالب نظریه مورایی *

طیبه گلرنگیان^۱
مریم تفرجی یگانه^۲

چکیده

نظریه مورایی یکی از نظریه‌های مطرح در واج‌شناسی جزء مستقل است که در آن، میزان کشش واحدهای واجی و وزن هجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که در چارچوب نظریه مورایی به بررسی و توصیف فرایندهای واجی در گویش فیلی پرداخته است. داده‌های پژوهش به روش میدانی و از طریق گفت‌وگو و مصاحبه مستقیم با ۶۰ نفر از گویشوران کرد، که اغلب مرد بودند، گردآوری و ثبت و ضبط گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد که به طور کلی، فرایندهای واجی موجود گویش ایلامی، عبارتند از: همگونی، قلب واجی، تضعیف (حذف، نرم‌شدگی، مرکزی‌شدگی و تشدیدزدایی)، تقویت (از قبیل درج همخوان و واکه که موجب افزایش تعداد موراها و تعداد هجاهای بعضی کلمات می‌شود) و کشش جبرانی. در تعدادی از واژه‌ها نیز چند فرایند واجی به صورت همزمان رخ می‌دهد که به آن فرایند چندگانه می‌گویند؛ به طور کلی، نتیجه این فرایندها حذف وزن هجا نیست؛ بلکه حفظ وزن واژه است.

واژگان کلیدی: فرایندهای واجی، کردی فیلی، نظریه مورایی، وزن هجا، کشش جبرانی، تضعیف، تقویت.

زبان نه تنها ابزاری برای برقراری ارتباط است؛ بلکه اساس نهادهای اجتماعی نیز می‌باشد و به سبب ماهیت اجتماعی خود، اگرچه نقش و عملکرد آن در همه جوامع یکسان است؛ ولی در جوامع مختلف به لحاظ ساختاری تنوع بسیاری دارد؛ چنانکه در کشور ما گویش‌های مختلفی وجود دارند که در قیاس با زبان فارسی به عنوان زبان اول (گونه معیار)، زبان دوم محسوب می‌شوند (فاضلی و موحد نساج، ۱۳۹۶: ۲۵).

شناسایی و بررسی علمی گویش‌های مختلف زبانی در ایران می‌تواند بسیاری از مسائل زبانی شامل مشکلات مربوط به حوزه دستور زبان و واژگان را حل کند؛ همچنین می‌توان از واژگان موجود در گویش‌ها در ساختن واژه‌های نو بهره برد و از این طریق به غنای زبان فارسی نیز کمک کرد (ملکی، ۱۳۹۳: ۱۰). گویش کردی ایلامی یکی از این گویش‌هاست که در بین پژوهشگران به گویش فیلی معروف است؛ زیرا در عهد قاجار، حاکمان لر، که به خاندان فیلی مشهور بودند بر استان ایلام، که «پشتکوه» نامیده می‌شد، حکومت می‌کردند. گویش فیلی، گویش عمده ساکنان استان ایلام است؛ اما به این منطقه محدود نمی‌شود و در مناطقی از شرق عراق، یعنی در شهرهای زرباطیه، بدره، کوت، جسان، مندلی و مناطقی از شهر بغداد نیز گویشوران زیادی دارد (پالیزیان و یوسفی راد، ۱۳۹۴: ۴۳). این گویش، علی‌رغم اینکه استان ایلام به مدت بیش از چهارصد سال، تحت سیطره حکومت اتابکان لر بوده و در مسیر ترانزیت با کشور عراق و تماس با زبان عربی قرار داشته است، برخلاف دیگر گویش‌های زبان کردی، همچنان اصالت خود را حفظ کرده و تحت تأثیر زبان‌های دیگر قرار نگرفته است (همان).

گویش‌ها معمولاً در طی زمان دچار تغییراتی می‌شوند؛ فرایندهای آوایی یکی از این نوع تغییرات است (حق شناس، ۱۳۸۰: ۶۲). آواهای زبانی به طور کلی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، مشخصه [+هجایی] دارند و می‌توانند جایگاه هسته هجا را پر کنند و شامل واکه‌ها، روان‌ها و همخوان‌های خیشومی می‌شوند. دسته دوم، دیگر آواهای زبان را شامل می‌شود که دارای مشخصه [-هجایی] هستند و می‌توانند فقط در حاشیه هجا قرار گیرند (علی‌نژاد و صدیق زاهدی، ۱۳۸۸: ۲۸).

در زنجیره کلام هرگاه واحدهای آوایی زبان، کنار یکدیگر قرار گیرند بر روی هم تأثیر می‌گذارند. اگر این تأثیرگذاری‌ها نمود واجی پیدا کنند و منجر به ابدال^۱، حذف^۲ یا افزایش^۳ شوند به آنها فرایندهای واجی گفته می‌شود (خاتمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳). فرایندهای واجی، نشان‌دهنده رابطه ویژگی‌های سطح آوایی زبان با سطح واجی است. دلیل رخداد فرایندهای واجی را می‌توان در مشخصه‌های تولیدی آواها و تأثیر ادراکی و شنیداری آنها جستجو کرد (ایلاتی، ۱۳۹۶: ۴۴). در مورد فرایندهای واجی مختلف، از قبیل درج هجا، کوتاه شدن هجای کشیده، حذف هجا و ... نظریه‌های واج‌شناسی متنوعی وجود دارد. نظریه مورایی^۴، یکی از این

1. Substitution

2. Deletion

3. Addition

4. Moraic Theory



نظریه‌هاست که در این مطالعه مدّ نظر بوده است. هر واحد واجی در این نظریه، مورا نامیده می‌شود که برای تعیین وزن هجا به کار می‌رود؛ بدین صورت که هر هجای کوتاه، یک مورا و هر هجای کشیده، دو مورا محسوب می‌شود (الکید^۱، ۲۰۱۵: ۹۹۶). در این پژوهش تلاش می‌شود که فرایندهای واجی (حذف، قلب، تضعیف، تقویت، کشش جبرانی و درج) در گویش کردی فیلی در قالب نظریه مورایی توصیف و بررسی شود و این می‌تواند اطلاعات مهمی را در مورد ساختار هجایی و کشف محدودیت‌های فعال و نظام واجی و آوایی به دست دهد. در این مطالعه سعی شده است به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. کدامیک از فرایندهای واجی در کردی ایلامی وجود دارد؟
۲. آیا در چارچوب نظریه مورایی می‌توان فرایندهای واجی را توجیه کرد؟

مبانی نظری

در همه زبان‌های بشری نوعی از فرایندهای واجی وجود دارد (خاتمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳). تئوری‌های مختلف واج‌شناسی به بررسی فرایندهای واجی مختلف می‌پردازند که در این مقاله، مجال معرفی و توصیف همه آنها وجود ندارد. نظریه مورایی - که در این مطالعه به آن پرداخته شده است - یکی از این نظریه‌هاست که به بررسی ساختمان هجا و واحدهای وزنی می‌پردازد.

فرایندهای واجی بر گونه‌ای از تغییرات ساختاری در عناصر واجی یا مشخصه‌های واجی زبان دلالت دارند (بی جن خان، ۱۳۸۴: ۱۸۵). واحدهای آوایی در مجاورت یکدیگر و در ترکیب، دستخوش تغییراتی می‌شوند که فرایندهای آوایی نامیده می‌شوند. فرایندهای واجی معمولاً در مرز هجاها و تکواژها یا در آغاز و پایانه هجا رخ می‌دهند (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ممسنی، ۱۳۸۵: ۸۳). به طور کلی به تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های آوایی و تغییرات ناشی از آن فرایند واجی گفته می‌شود (ولی‌پور و همتی، ۱۳۹۵: ۶۷). کرد زعفرانلو کامبوزیا و علوی (۱۳۸۳: ۲۵۲) در تحقیقی با عنوان «واج‌شناسی مورایی و ساخت هجا در زبان فارسی» اظهار داشتند که واج‌شناسی مورایی، شکل تکامل یافته‌ای از نظریه‌های ایکس و همخوان - واکه است؛ همچنین اظهار کردند که زبان فارسی شامل هجاهای فوق سنگین، سنگین و سبک است و حداکثر تعداد مورا در زبان فارسی چهارتاست. نتایج پژوهش آنها نشان داد که واج‌شناسی مورایی، قابلیت توجیه و تبیین پدیده‌های نوایی مهمی چون کشش جبرانی و تشدید را دارد.

هایمن^۲ (۱۹۸۵) برای اولین بار، نظریه مورایی را معرفی کرد؛ پس از او هیز^۳ (۱۹۸۹) و مک کارتی و پرینس^۴ (۱۹۹۳) و تعدادی دیگر از واج‌شناسان، این نظریه را در تحقیقات خود مطرح کردند و در مواردی تعدیل نمودند و تغییراتی هم در آن به وجود آوردند (ثباتی، ۱۳۹۷).

مورا واحدی نوایی^۵ است که برای اندازه‌گیری وزن هجا به کار می‌رود و واحد زمانمند نیز

1. Al-kayed
2. Hyman
3. Hayes
4. McCarthy & Prince
5. Prosodic

نامیده می‌شود؛ زیرا نوعی دیرش^۱ یا کشش زمانی را در تولید اجزای هجا نشان می‌دهد. در واج‌شناسی غیرخطی، مورا در حد فاصل بین لایه هجا و لایه واج قرار می‌گیرد.

وزن هجا را می‌توان بر اساس تعداد موراهای یک هجا به صورت سبک، سنگین و فوق سنگین تعیین کرد. واج‌شناسی مورایی در چارچوب نظریه واج‌شناسی غیرخطی یا جزء مستقل مطرح شده است. واج‌شناسی جزء مستقل، تلاشی برای درک مناسب‌تر جنبه آواشناختی بازنمایی‌های زبانشناختی است؛ زیرا بیانگر آن است که چگونه اندام‌های متفاوت دستگاه گفتار، شامل زبان، لبها، حنجره، نرم‌کام و غیره با همدیگر هماهنگ می‌شوند (کرد زعفرانلو کامبوزیا و علوی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

مورا یک سازه هجاست که بین لایه هجا و لایه واجی قرار گرفته است. واحدهای واجی که وزن واجی دارند، در لایه واجی به موراهای متصل می‌شوند؛ لذا مورا دارای دو نقش وزن واجی و جایگاه واجی است (کرد زعفرانلو کامبوزیا و ممسنی، ۱۳۸۵: ۹۰).

به لحاظ وزن واجی، هجای سبک، یک مورا و هجای سنگین، دو مورا دارد. این تفاوت وزنی، هم در شعر و نثر مسجع و آثار منظوم به کار می‌رود و هم در تعیین تکیه برای زبان‌هایی که دارای تکیه ثابت نیستند، کاربرد دارد. همان‌طور که نظریه‌های ایکس و همخوان واکه نشان می‌دهند، نقش جایگاه واجی، نشان دادن کشش است. بر مبنای نظریه مورایی، واکه کشیده هرگز از نظر واجی، سبک محسوب نمی‌شود و واحد واجی در آغاز هجا بدون وزن است؛ لذا به طور مستقیم به گره هجا متصل می‌شود و در تعیین وزن هجا و تکیه هیچ نقشی ندارد (ثباتی، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

در نظریه مورایی، ساختمان هجا شامل سه لایه مجزاست: لایه هجا، لایه زمانمند مورا (که با علامت μ نشان داده می‌شود) و لایه واجی. عناصری از لایه واجی که وزن داشته باشند، بر اساس اصول کلی به موراهای در لایه بالاتر متصل می‌شوند و بر وزن هجا تأثیر می‌گذارند. نظریه مورایی دو نقش مهم دارد: ۱- نشان دادن میزان کشش واحدهای واجی؛ ۲- وزن هجا. بازنمودهای واجی ارائه شده در این نظریه، این دو نقش را به خوبی ایفا می‌کنند. وزن هجا و میزان کشش واحدهای واجی، با متصل کردن واحدها و هجاها به موراهای نمایش داده می‌شوند؛ به این صورت که واحدهای کشیده و هجاهای سنگین به دو مورا و واحدهای کوتاه و هجاهای سبک به یک مورا وصل می‌شوند (هیز، ۱۹۸۹: ۳۰۲).

طرفداران نظریه مورایی معتقدند که این نظریه، قابلیت بالایی برای بازنمایی فرایندهای واجی مانند کشش جبرانی دارد؛ زیرا با حفظ موراهای هجا تعداد آنها ثابت می‌ماند. در این فرایند، پس از حذف یا کوتاه‌شدگی یک واحد زنجیری دارای وزن هجایی، مورای آن به صورت آزاد باقی می‌ماند که در این حالت، واحد مجاور آن به صورت خودکار و به سرعت گسترش می‌یابد و به مورای آزاد متصل می‌شود؛ به این ترتیب، تعداد موراهای و در نتیجه وزن هجا بدون تغییر باقی می‌ماند؛ بنابراین اگر کوتاه‌شدگی یا حذف یک واحد زنجیری، موجب رخداد کشش جبرانی واحد زنجیری مجاور شود، این امر بیانگر



آن است که واحد حذف یا کوتاه شده، دارای وزن هجایی و مورایی بوده است. همخوان یا خوشه‌های همخوانی آغاز، غیر مورایی‌اند و کشش جبرانی فقط در مورد همخوان‌های پایانه اعمال می‌شود. لازم به ذکر است که همخوان‌های پایانه هم در صورتی که بعد از یک واکه کشیده در هسته هجا واقع شوند، غیر مورایی در نظر گرفته می‌شوند و بر وزن هجا تأثیر ندارند (علی‌نژاد و صدیق زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۲).

نظام آوایی گویش کردی فیلی متشکل از ۲۷ همخوان و ۸ واکه است که در مجموع ۳۵ واج هستند (پالیزبان و یوسفی راد، ۱۳۹۴: ۴۲). ساختمان هجا در زبان کردی به طور خاص و چنانکه مورد انتظار است، مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است و مطالعات و بررسی‌های در دسترس نیز بسیار محدود و انگشت‌شمارند. کریمی دوستان (۱۳۸۱: ۱۴۵) معتقد است که ساخت‌های هجایی $ccvcc$ ، cv ، cvc ، $cvcc$ ، ccv ، $ccvc$ در گویش‌های غرب ایران وجود دارند. در برخی از گویش‌ها، از جمله گویش مهابادی در موارد نادری ساخت هجایی $cvccc$ وجود دارد. کلباسی (۱۳۶۲: ۴) هم معتقد است که در گویش مهابادی، الگوهای هجایی $cvccc$ ، $ccvcc$ ، $ccvc$ ، $cvcc$ ، ccv وجود دارند؛ به این ترتیب، بر مبنای دو مورد مذکور، الگوی هجایی $(c) cv(c)$ برای زبان کردی پیشنهاد می‌شود؛ برای نمونه، ساختمان هجایی چند واژه در زیر آمده است. نشانه نقطه (.) برای تعیین مرز هجا استفاده شده و σ نشانه هجاست.

جدول شماره (۱). واژه‌های زبان کردی و معادل فارسی

واژه فیلی	/Çəg/	/Xar.çəg/	/Da. ləg/	/Xward/
معادل فارسی	رفت	فارچ	مادر	خورد

پیشینه پژوهش

۱. پژوهش‌های داخلی

علی‌نژاد و صدیق زاهدی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که در چارچوب نظریه مورایی، کشش جبرانی ناشی از حذف واحد واجی دو گونه است: ۱- کشش جبرانی ناشی از حذف واکه، ۲- کشش جبرانی ناشی از حذف همخوان. نوع اول کشش جبرانی از این نظر جالب توجه است که در نتیجه حذف واکه در جایگاه هسته، یک هجا به طور کامل حذف می‌شود و کل ساختار هجا به هم می‌ریزد؛ به طوری که تعداد هجاها در روستاها از زیرساخت یک هجا کمتر است؛ به همین دلیل، به این نتیجه رسیدند که انگیزه کشش جبرانی (دست کم در این نوع از کشش جبرانی) نمی‌تواند حفظ وزن هجا باشد؛ بلکه حفظ وزن کلمه است. نوع دوم کشش جبرانی نیز بیشتر در کلماتی دیده می‌شود که از فارسی یا عربی، وام گرفته شده‌اند.

پهلوان‌نژاد و شاهرودی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی و توصیف ساخت آوایی در گویش علمیرزایی سرخس» نشان دادند که در این گویش، نشانه‌هایی از فارسی باستان و میانه وجود دارد که درخور توجه و بررسی است. از این نشانه‌ها می‌توان به وجود واکه پایانی در اغلب واژه‌ها و وجود سه واج $/ā/$ ، $/ē/$ ، $/o/$ اشاره کرد. علاوه بر این، فرایندهای واجی متفاوتی در گونه‌های مورد بررسی مشاهده شد که عبارتند از: ۱- همگونی همخوانی و واکه‌ای و دگرگونی

واکه‌ای، ۲- افزایش واکه پایانی، ۳- حذف همخوان پایانی و ۴- تبدیل واکه‌های /i/ و /e/، /o/ و /a/ از نتایج دیگر این تحقیق، استخراج سه واج گونه /z/، /s/ و /q/ است.

بررسی کرد زعفرانلو کامبوزیا و همکاران (۱۳۹۴) در مورد فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی نشان داد که محدوده فعالیت تضعیف در پایان هجاست. در واژه‌های اصیل ایلامی، چون معمولاً تمایل به سمت سبک شدن هجاست، همخوان‌ها به صورت مشدد نمی‌آیند؛ همچنین عدم حضور فرایند تشدید در گونه‌های کردی ایلامی بیانگر آن است که در این گونه‌ها تمایل به حذف خوشه‌های همخوانی وجود دارد. خنجری و راشد محصل (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «فرایندهای واجی در گویش کردی سنقر کلیایی»، به تحلیل فرایندهای واجی، مانند حذف، تضعیف، قلب، کشش جبرانی، درج و تبدیل همخوان /R/ به /r/ در گویش کردی سنقر کلیایی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در این گویش، پربسامدترین فرایندها، حذف و تضعیف و کم‌بسامدترین فرایند، قلب است.

پاک‌نژاد و ویسی (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود با عنوان «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی» به این نتیجه دست یافتند که حداکثر محدودیت‌های نشان‌داری به صورت بهینه در گویش دزفولی دیده می‌شود و در مقایسه با فارسی معیار، محدودیت‌های پایایی، در سلسه مراتب محدودیت‌ها، بر بقیه نمونه‌ها تسلط دارند. در این گویش، فرایندهای حذف و همگونی بیشترین بسامد را دارند.

۲. پژوهش‌های خارجی

سیتیا بلیونگ و آجاندر و ابریس (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای، به تجزیه و تحلیل فرایندهای واجی تأثیرگذار بر انگلیسی گفتاری معلمان پیش از خدمت هنگ‌کنگ پرداختند. در این پژوهش، به منظور بررسی و ارزیابی فرایندهای واجی، ویژگی‌های گفتاری گویشوران بزرگسال کانتونی در موقع سخنرانی به زبان انگلیسی (PTCSE) و شیوه تلفظ انگلیسی گویشوران بومی کانتونی زبان مورد مطالعه قرار گرفت. فرایندهای واجی مشاهده‌شده و مذکور در این مطالعه، عبارتند از: پیشین‌شدگی، انسدادشدگی، انسایشی، واک‌دارشدگی و بی‌واکی، کاهش توالی همخوان و افزایش و کاهش مصوت.

الکید (۲۰۱۵) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی فرایندهای واجی در گویش آل ادوان در چارچوب نظریه مورایی»، به بررسی ساختارهای هجایی هجاها در ADW در چارچوب نظریه مورایی پرداخت و به منظور شناسایی و تدوین قوانین حاکم بر فرایندهای واجی در ADW، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را بررسی نمود. یافته‌های این پژوهش، منجر به شناسایی سه فرایند واجی به نام‌های تکثیر، کوتاه شدن هجای بسته و همگام‌سازی مصوت شد.

اسمیت و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مورایی فرایندهای واجی در گویش‌های کردی»، به بررسی فرایندهای واجی، مانند کشش جبرانی و همگونی در گویش‌های مختلف کردی بر اساس نظریه مورایی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در گویش‌های کردی، این فرایندها به طور گسترده‌ای مشاهده می‌شوند و نقش مهمی در ساختار هجایی دارند.



براون و اسمیت (۲۰۲۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی فرایندهای واجی در گویش‌های کردی و فارسی»، به مقایسه فرایندهای واجی، مانند حذف و درج در گویش‌های کردی و زبان فارسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که با وجود شباهت‌های موجود، تفاوت‌های قابل توجهی نیز در نحوه وقوع این فرایندها بین گویش‌های کردی و فارسی وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی است و در آن، با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی، به توصیف و تحلیل فرایندهای واجی همگونی، قلب واجی، تضعیف، تقویت و کشش جبرانی در گویش کردی فیلی در چارچوب نظریه مورایی پرداخته شده است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش، به شیوه مشاهده مستقیم بوده و با حضور مستقیم محقق در میان گویشوران کردزبان و ثبت و ضبط مکالمات آنها صورت گرفته است. علاوه بر این، با گویشوران بومی، که اغلب مردان بزرگسال و بیسواد یا با تحصیلات خیلی کم ساکن مناطق روستایی بودند، مصاحبه شد و تولیدات زبانی آنها ضبط، آوانگاری و ثبت گردید. در مجموع ۸ ساعت مکالمه از ۶۰ نفر از گویشوران کردزبان در ۴ جلسه ۲ ساعته و ۶ ساعت فیلم در ۲ جلسه ۳ ساعته ضبط شد که در مجموع ۱۴ ساعت است. در صورت لزوم، برای جمع‌آوری داده‌ها از شم زبانی محقق نیز که خود گویشور بومی کردی فیلی است؛ همچنین از برخی از منابع مکتوب، از جمله فرهنگ‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در مورد این گویش نوشته شده‌اند، استفاده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها براساس «راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی» از ناتل خانلری (۱۳۹۱)، برای شناخت فرایندهای واجی و آوایی، به دسته‌بندی آنها پرداخته شد. آوانویسی داده‌ها براساس الفبای آوانگار بین‌المللی IPA (کتفورد، ۱۹۸۸) انجام گرفت.

به منظور سهولت در بررسی‌ها، فرایندهای واجی در این گویش به پنج گروه اصلی همگونی، قلب، تضعیف (حذف، نرم‌شدگی و مرکزی‌شدگی)، تقویت (درج، تبدیل ناسوده به سایشی) و کشش جبرانی (که در خلال هر یک از فرایندهای مذکور در صورت فراهم بودن شرایط واجی رخ می‌دهد) دسته‌بندی شد. در ادامه، این فرایندها در چارچوب نظریه مورایی تحلیل خواهند شد.

۱. همگونی

با تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها در گویش کردی ایلامی، موارد متعددی از همگونی به دست آمد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود و مثال‌های مربوط به آنها در قالب جدول شماره ۲ ارائه می‌گردد.

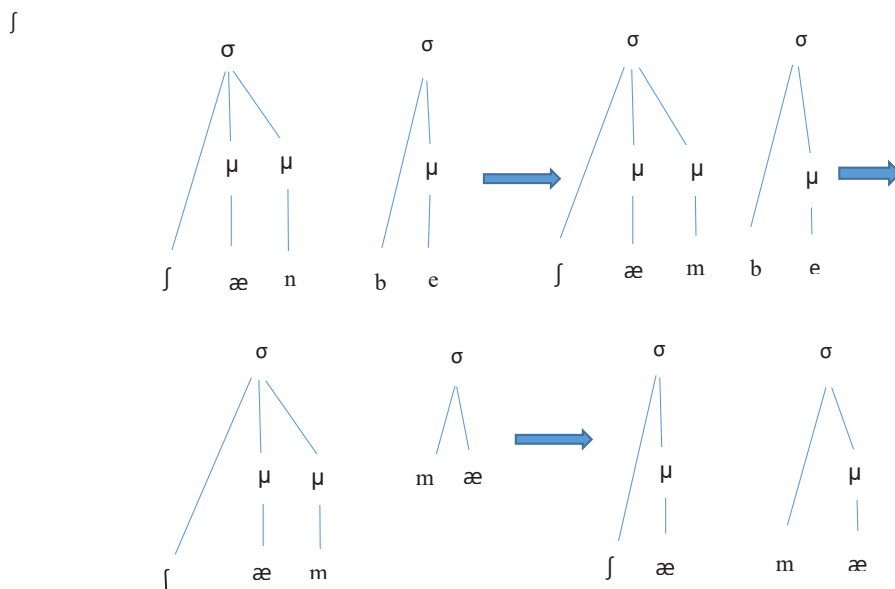
الف) نخست در طی فرایند همگونی پس‌رو، واج خیشومی تیغه‌ای /n/ قبل از همخوان لبی /b/ به همخوان خیشومی - دو لبی {m} تبدیل می‌شود. از آنجا که همخوان /m/ به لحاظ جایگاه تولید به همخوان بعد از خودش شبیه می‌گردد؛ لذا نوعی همگونی پس‌رو رخ می‌دهد؛ سپس همگونی کامل b به m اتفاق می‌افتد و خوشه همخوان mm حاصل می‌شود و در نهایت یکی از mها حذف می‌گردد؛ علاوه بر این، همخوان انسدادی، بی‌واک و ملازی /q/ به لحاظ شیوه

تولید از صدای مجاور خود که همخوان انسدادی، دندانی و بی‌واک /t/ است متمایز می‌شود و به همخوان سایشی بی‌واک {X} تبدیل می‌گردد که نوعی ناهمگونی شیوه تولید محسوب می‌شود (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲). فرایند واجی همگونی در گویش کردی ایلامی

فارسی معیار	واج نویسی معیار	گویش کردی ایلامی
تیناکو	/Tan.bɑ.cu/	/ta.mɑ:.ku/
دوشنبه	/do.ʃɑn.be/	/dɑ.ʃɑ.ma/
قنبر	/qɑn.bar/	/qa.mar/
گنبد	/gon.bad/	/go.məg/
انبردست	/ʔɑn.bor.dast/	/ʔɑ.mur.das/
تنبل	/Tan.bal/	/ta.maɫ/
پنبه	/Pan.be/	/Pa.məg/
وقت	/Vaqt/	/waχt/

در فرایند همگونی، از آنجا که یک واج به لحاظ ویژگی‌های واجی به واج دیگر شبیه می‌شود؛ لذا در سطح واجی، در مؤلفه‌های واجی تغییر به وجود می‌آید؛ اما به لحاظ وزنی تغییری ایجاد نمی‌شود و ساختار مورایی ثابت می‌ماند. باید توجه داشت که در بعضی از مثال‌های بالا بعد از فرایند همگونی، فرایند حذف رخ می‌دهد و موجب تغییر در ساختار هجایی و وزنی و تغییر در تعداد موراهای واژه هم می‌شود. نمودار زیر شکل مورایی در واژه /ʃænbe/ را نشان می‌دهد.



نمودار (۱). ساخت مورایی واژه /ʃænbe/



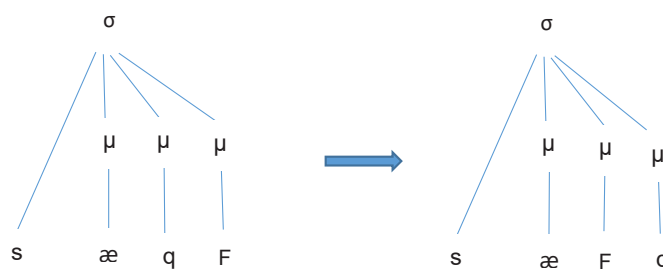
۲. قلب واجی

فرایند قلب، فرایندی است که در آن به دلایل متفاوتی، واج‌ها جابه‌جا می‌شوند. این فرایند در زبان کردی هم مشاهده می‌شود. یکی از عمده‌ترین محیط‌های وقوع این فرایند، هنگامی است که همخوان C_۲ در هجاهای CVC_۱C_۲ یکی از همخوان‌های روان [t] یا [r] باشد که میزان رسایی آن بیشتر از C_۱ است. معمولاً آغاز هجا، جایگاه تقویت و پایانه آن، جایگاه تضعیف است؛ از این رو، معمولاً همخوان‌های [رسا+] در جایگاه پایانه هجا و همخوان‌های غیررسا در جایگاه آغاز قرار می‌گیرند. نمونه‌هایی از رخداد قلب در زبان کردی در جدول شماره ۳ ذکر می‌شود.

جدول شماره (۳). فرایند قلب در شرایطی که C_۲ همخوانی ملازی یا نرم‌کامی و C_۱ همخوانی تیغه‌ای باشد.

زبان فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	گویش کردی ایلامی
فخری	/Faχ.ri/	/Far.χi/
قفل	/qofl/	/qəlf/
طفل	/Tefl/	/təlf/
مشق	/maʃq/	/maχʃ/
کبریت	/keb.rit/	/kər.mit/

بر اساس جدول بالا، زمانی فرایند قلب بین دو همخوان مجاور در یک هجا رخ می‌دهد که از بین دو همخوان متوالی، C_۱ همخوانی تیغه‌ای و C_۲ همخوانی ملازی یا نرم‌کامی باشد. در فرایند قلب، از آنجا که فقط جای دو واج با هم عوض می‌شود، معمولاً در ساختار وزنی و تعداد موراها تغییری به وجود نمی‌آید؛ به عنوان مثال، ساخت مورایی واژه /saqf/ بعد از اعمال فرایند واجی قلب در زیر نشان داده می‌شود.



نمودار (۲). ساخت مورایی واژه /saqf/ بعد از اعمال فرایند واجی قلب

۳. تضعیف

دامنه عملکرد فرایند تضعیف در پایان هجاست. فرایندهای واجی تضعیف، عبارتند از: حذف واجی، نرم‌شدگی، مرکزی‌شدگی و تشدیدزدایی. قبل از بحث و بررسی در مورد فرایند تضعیف در گویش فیلی در چارچوب نظریه مورایی، توجه به نکات ذیل براساس یافته‌های پژوهش، حائز اهمیت است:

۱- در بسیاری از موارد، واکه /a/ در جایگاه پایان واژه در زبان فارسی معیار، به واکه مرکزی

/θ/ در پایان واژه یا هجا در گونه‌های کردی ایلامی تبدیل می‌شود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که واکه مرکزی /θ/ در زبان فارسی وجود ندارد.

۲- واکه پسین، میانی و گرد /o/ تنها در شرایطی که محیط آن پسین باشد، یعنی همخوان قبل از آن، یکی از همخوان‌های پسین /q, g, x, k/ و همخوان بعد از آن، یکی از همخوان‌های روان (/r, l, f/) باشد، به همان صورت باقی می‌ماند.

۳- در واژه‌های اصیل گویش کردی فیلی، از آنجا که تمایل به حذف خوشه‌های همخوان وجود دارد؛ لذا همخوان‌ها به صورت مشدد نمی‌آیند و تمایل به سبک شدن هجا وجود دارد.

۳-۱. حذف

در گویش کردی ایلامی، مواردی از حذف همخوان وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. همخوان تیغه‌ای، انسدادی و بی‌واک /t/ در مرز بین دو هجا و در توالی st حذف می‌شود، مانند واژه /ze.mes.tan/ که به /ze.me.sa:n/ تبدیل می‌شود؛ همچنین همخوان تیغه‌ای، انسدادی و واکنار /d/ در واژه‌های دو هجایی و سه هجایی و در جایگاه پایانه هجا حذف می‌شود، مانند واژه /ostad/ که به /?e.sa:/ تبدیل می‌شود. همخوان انسدادی، تیغه‌ای و بی‌واک /t/ نیز در پایان واژه و در توالی st حذف می‌شود، مانند واژه /dast/ که به /da:s/ تبدیل می‌شود. همخوان سایشی بی‌واک /h/ هم از پایانه هجا حذف می‌گردد، مانند واژه /meh.di/ که به /me:.di/ تبدیل می‌شود.

جدول شماره (۴). فرایند واجی حذف همخوان در گویش کردی ایلامی

گویش کردی ایلامی	واج‌شناسی معیار	زبان فارسی معیار
/zə.mə.sa:n/	/ze.mes.tən/	زمستان
/kor.də.sə:n/	/kor.des.tən/	کردستان
/das/	/dast/	دست
/rɑ:s/	/rast/	راست
/χwa:ʃɑ:ʔ/	/χoʃ.həl/	خوشحال
/me:.Rɑ:n/	/meh.ran/	مهران
/?ə:sɑ:/	/?os.təd/	استاد
/?ɑ:sar/	/?ɑ:s.tar/	آستر
/me.di/	/meh.di/	مهدی
/ʃar/	/ʃahr/	شهر
/na:ʔ/	/naʔl/	نعل
/Fa:m/	/Fahm/	فهم

در همه موارد بالا، حذف همخوان باعث رخداد کشش جبرانی در واکه مجاور شده است.



$C_1 V C_2 \rightarrow C V$:

Short $v \rightarrow$ long v

One $\sigma \rightarrow$ one σ

قاعده بالا نشان می‌دهد که همخوان سایشی چاکنایی از پایانه هجا در لایه واجی حذف گردیده و این موجب کشش واکه ماقبل شده است. قاعده کشش جبرانی بر مبنای نظریه مورایی به صورت ذیل نشان داده شده است. لازم به ذکر است، مورای آزادی که در لایه واجی به هیچ واحد آوایی‌ای متصل نباشد با نماد (μ) نشان داده می‌شود:

$\mu (\mu) \mu \mu$

-- /

$v \rightarrow v$

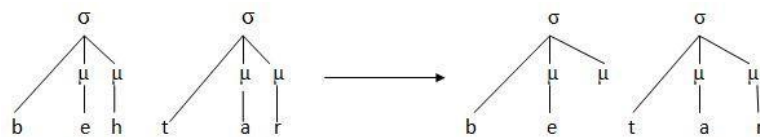
قاعده بالا نشان می‌دهد، در صورتی که یک مورای آزاد در لایه مورایی وجود داشته باشد که به هیچ واحدی در لایه واجی متصل نباشد، واکه ماقبل به صورت خودکار به آن گسترش می‌یابد؛ لذا یک مورای به کشش آن اضافه می‌شود و کشش جبرانی صورت می‌گیرد.



نمودار (۳). قاعده کشش جبرانی

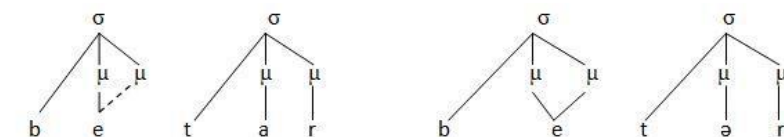
با توجه به موارد فوق، در ادامه به بررسی اشتقاق روساخت از زیرساخت واژه‌های /be:./ ter پرداخته می‌شود:

نمودار (۲-۴). حذف همخوان سایشی چاکنایی



نمودار (۱-۴). بازنمایی زیرساختی

نمودار (۴-۴). بازنمایی روساختی



نمودار (۳-۴). کشش جبرانی و هجابندی مجدد

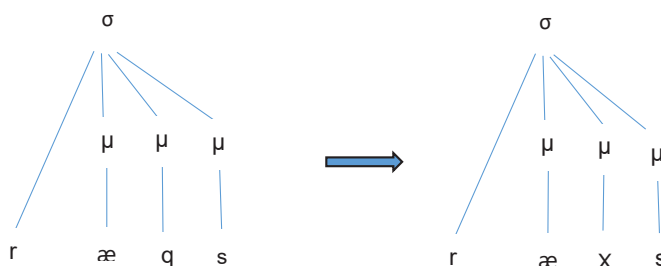
۲-۳. نرم‌شدگی

یکی دیگر از فرایندهای واجی، نرم‌شدگی است. این فرایند در گویش کردی ایلامی یکی از مؤثرترین فرایندهای مربوط به همخوان‌ها محسوب می‌شود. میزان نرمی در همخوان‌ها همیشه به یک میزان نیست و به دلایل آواشناختی و واج‌شناختی متغیر خواهد بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که محرک اصلی فرایند نرم‌شدگی ارضای اصل محدودیت توالی رسایی است (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵). فرایند واجی نرم‌شدگی در گویش فیلی

گویش فیلی	واج‌نویسی فارسی معیار	فارسی معیار
/ræxs/	/ræqs/	رقص
/næxf/	/næqf/	نقش
/næfj/	/næbj/	نبش
/qɑwr/	/qæbr/	قبر

طی فرایند نرم‌شدگی، ویژگی‌های آوایی دستخوش تغییر می‌شوند؛ اما تعداد موراه‌ها و واحد وزنی بدون تغییر باقی می‌ماند؛ به عنوان نمونه، ساخت مورایی در واژه /ræqs/ که دستخوش فرایند نرم‌شدگی شده است، در زیر نشان داده می‌شود. در میزان کشش واکه هم تغییری ایجاد نمی‌شود.



نمودار (۵). ساخت مورایی واژه /ræqs/ بعد از فرایند نرم‌شدگی

۴. تقویت

به منظور شناسایی فرایند واجی تقویت که خود شامل فرایندهای انسدادشدگی، درج واحد آوایی و تبدیل همخوان ناسوده به سایشی است، به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به گونه‌های کردی فیلی پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱- در گویش فیلی، فرایند درج آوایی در قیاس با سایر فرایندهای واجی تقویت، نمود بیشتری دارد.

۲- در واژه‌های قرضی مختوم به خوشه همخوانی پایانی، در شرایطی که عضو دوم خوشه یکی از همخوان‌های روان /r/, /l/ باشد، هجای مورد نظر شکسته می‌شود و به منظور



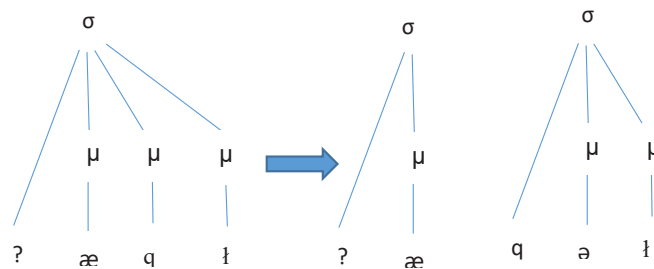
رعایت اصل رسایی، واکه /ə/ پیش از همخوان‌های یاد شده درج می‌گردد.

۳- صورت زیرساختی همخوان دولبی، واکدار و غلت /w/ در نظام واجی زبان کردی حفظ شده است؛ اما در زبان فارسی این همخوان به همخوان لب و دندانی و سایشی واکدار /v/ تبدیل شده است؛ به بیان دیگر، در زبان فارسی معیار، فرایند تقویت از غلت به سایشی رخ داده است.

جدول شماره (۶). نمونه‌هایی از فرایند درج در گویش کردی فیلی

فارسی معیار	واج‌نویسی معیار	گویش کردی ایلامی
تراس	/te.ras/	/tə.ra:ns/
یازده	/yaz.dah/	/ya.n.za/
سیزده	/siz.dah/	/Sen.za/
عقل	/ʔaql/	/ʔa.qəɫ/

نمونه‌های بالا نشان می‌دهد که بعد از درج واج /n/ در میان واژه، یک واحد نوایی یا یک مورا به وزن هجا اضافه می‌شود که در این شرایط، برای حفظ وزن هجایی واژه، مقداری از کشش واکه کم می‌شود، مانند واژه *te.ras* که به *tə.ra:ns* تبدیل می‌گردد؛ اما در مواردی که یک واکه به میان واژه افزوده می‌شود؛ به طور کلی، ساختار هجایی دستخوش تغییر می‌گردد و یک هجا به تعداد هجاهای واژه افزوده می‌شود، مانند تبدیل واژه *ʔaql* به *ʔa.qəɫ*:



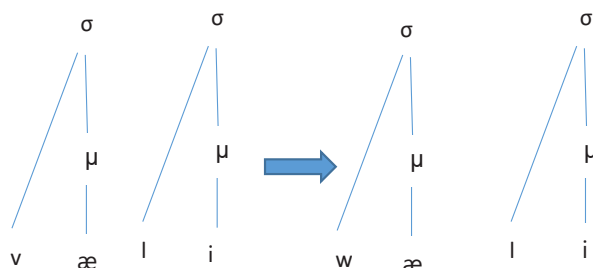
نمودار (۶). تبدیل واژه واژه *ʔaql* به *ʔa.qəɫ*

جدول شماره (۷). نمونه‌هایی از فرایند تبدیل همخوان ناسوده به سایشی در زبان فارسی و حفظ آن در گویش فیلی

جدول شماره (۷). نمونه‌هایی از فرایند تبدیل همخوان ناسوده به سایشی در زبان فارسی و حفظ آن در گویش فیلی

فارسی معیار	واج نویسی معیار	گویش کردی ایلامی
ویدا	/Vida/	/Wida/
وسط	/Va.sat/	/Wa.sat/
وام	/Vam/	/Wam/
ولی	/Va.li/	/Wa.li/
ونک	/va.nak/	/Wa.nak/

در چارچوب نظریه مورایی، طی فرایند تبدیل همخوان ناسوده به سایشی در زبان فارسی، تغییری در وزن هجا و تعداد موراها به وجود نمی‌آید. نمودار (۷) در زیر ساخت مورایی واژه /wali/ و /wali/ را نشان می‌دهد:



نمودار (۷). ساخت مورایی واژه /wali/ و /wali/

۵. کشش جبرانی

حفظ وزن واژه، انگیزه اصلی فرایند کشش جبرانی است که نظریه مورایی به خوبی آن را نشان می‌دهد؛ اما تحلیل‌های واج‌شناختی خطی در نشان دادن آن ناتوان بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت نظریه مورایی برای توصیف فرایند کشش جبرانی از کارایی کافی برخوردار است که این در مورد گویش فیلی هم صدق می‌کند.

در این گویش، همخوان‌های /h/ و /ʔ/ در واژه‌های قرضی از زبان عربی در جایگاه پایانی هجا و واژه و در جایگاه بعد از واکه حذف می‌شوند که در برخی موارد، حذف این همخوان‌ها موجب کشش بیشتر واکه قبل می‌گردد. لازم به ذکر است در مواردی که همخوان /j/ حذف می‌شود نیز فرایند کشش جبرانی رخ می‌دهد (جدول شماره ۸).

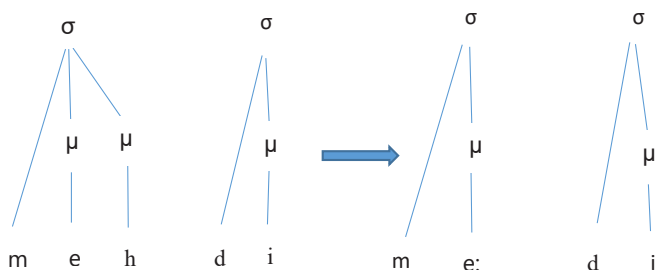


جدول شماره (۸). حذف همخوان‌های ʔ (انسدادی-چاکنایی) و h (سایشی-چاکنایی) در جایگاه بعد از واکه و قبل از

همخوان دیگر

معادل فارسی	صورت زیرساختی	گوشش کردی ایلامی
بهتر	/beh.tar/	/be:tər/
نعل	/naʔl/	/Na.t/
جعفری	/dʒaʔfa.ri/	/dʒa:fa.ri/
طعم	/taʔm/	/ta:m/
شهر	/ʃahr/	/ʃɑ:r/
مهدی	/mah.di/	Ma.di
فهم	/fahm/	/fɑ:m/
زهرا	/zahra/	/zɑ:ra:/
بحث	/baħs/	/bɑ:s/
بهرام	/bah.rɑm/	/ba:rɑ:m/
مهرداد	/mehr.dɑd/	/me:r.dɑ:d/
بهروز	/beh.ruz/	/be:ruz/

حذف همخوان در موارد بالا موجب می‌شود که یک مورا در واحد وزنی بلا تکلیف باقی بماند؛ لذا برای حل این مشکل در سطح نوایی به طول واکه افزوده می‌شود و مورای باقی مانده به واکه متصل می‌شود؛ بدین ترتیب واحد وزنی با وجود حذف همخوان بی‌تغییر باقی می‌ماند.



نمودار (۸). تحلیل مورایی فرایند کشش جبرانی در واژه /mah.di/

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج بررسی‌ها نشان داد که به طور کلی، فرایندهای واجی موجود در گوشش ایلامی، عبارتند از: همگونی (از قبیل تبدیل n به m قبل از b ؛ سپس حذف b)، قلب واجی، حذف (از قبیل حذف t در محیط بین دو واکه از توالی st یا در انتهای کلمه، حذف h از توالی همخوان، حذف همخوان‌های انسداد چاکنایی ʔ و سایش چاکنایی h در محیط قبل از همخوان دیگر و بعد از واکه)، تضعیف (نرم‌شدگی، مرکزی‌شدگی، تشدیدزدایی)، تقویت (از قبیل درج همخوان و واکه که

موجب افزایش تعداد موراها یا تعداد هجاهای بعضی کلمات می‌شود و تناوب واکه θ و \emptyset در میان خوشه همخوان پایانی هجا)، قلب و کشش جبرانی.

از دیگر نتایج این است که در تعدادی از واژه‌های گویش فیلی، چند فرایند واجی به صورت همزمان رخ می‌دهد که به آن فرایند چندگانه می‌گویند؛ به عنوان مثال، در واژه «انبردست» به صورت همزمان، دو فرایند همگونی و حذف و در واژه «رقص» به صورت همزمان، دو فرایند واجی همگونی و نرم‌شدگی رخ داده است.

بررسی و تحلیل داده‌ها در چارچوب نظریه مورایی نشان داد که این نظریه، قادر به توصیف کلیه موارد بالاست و تغییرات ساختار هجایی و وزنی در رخداد هریک از موارد بالا با رسم نمودار بررسی و نشان داده شد. لازم به ذکر است که فرایندهای واجی و آوایی دیگری نیز وجود دارد که در مطالعه حاضر، مجال بررسی آنها فراهم نبود؛ از این بین می‌توان به ویژگی‌های ساختار هجایی و زبرزنجیری اشاره کرد که بلاشک در این گویش درخور پژوهش و بررسی هستند.

فارسی

- ایلاتی، صبا (۱۳۹۶)، بررسی فرایندهای واجی زبان کردی گویش سفزی در چارچوب نظریه بهینگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- بی جن خان، محمود (۱۳۸۴)، واج‌شناسی: نظریه بهینگی، تهران: سمت.
- پاک‌نژاد، محمد و الخاص ویسی (۱۳۹۵)، «توصیف و تحلیل فرایندهای واجی گویش دزفولی بر پایه چارچوب نظریه بهینگی»، ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال دوم، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱-۲۲.
- پالیزبان، کرم‌اله و فاطمه یوسفی راد (۱۳۹۴)، «بررسی معیارهای رده‌شناختی گویش کردی ایلام»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۶، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۴۱-۵۴.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهناز شاهرودی (۱۳۹۱)، «بررسی و توصیف ساخت آوایی در گویش علمیرزایی سرخس»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال چهارم، شماره اول، صص ۵۱-۶۵.
- ثباتی، الهام (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل کشش جبرانی واکه در گونه‌های کردی ایلامی با تکیه بر تحلیل مورایی»، علم زبان، سال پنجم، شماره ۷، صص ۸۹-۱۰۷.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۰)، آواشناسی (فونیتیک)، تهران: آگاه.
- خاتمی، احمد، فارس شریفی و حسین الفتی (۱۳۹۶)، «تطورات واجی و تحول معنایی واژگان در تاریخ بیهقی»، علوم ادبی، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۹۳-۱۲۴.
- خنجری، سلمان و محمدتقی راشد محصل (۱۳۹۷)، «فرایندهای واجی در گویش کردی سنقر کلیایی»، مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، سال ششم، شماره ۴، صص ۲۱-۴۱.
- علی‌نژاد، بتول و محمد صدیق زاهدی (۱۳۸۸)، «تحلیل مورایی کشش جبرانی واکه در گویش کردی سورانی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال اول، شماره اول، صص ۲۷-۴۶.
- فاضلی، محمدتقی و عبدالعزیز موحدنساج (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی فرایندهای آوایی و واجی در گویش بختیاری با فارسی دری»، مطالعات ایلات و عشایر دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۷، شماره ۲، صص ۲۵-۵۰.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه و فاطمه علوی (۱۳۸۳)، «واج‌شناسی مورایی و ساخت هجا در زبان فارسی»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۸۶، صص ۲۴۹-۲۶۴.
- _____ و شیرین ممسنی (۱۳۸۵)، «توصیف دستگاه واجی گویش دلواری»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۷۷-۹۳.
- _____، الهام ثباتی و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۴)، «فرایندهای واجی تضعیف در گونه‌های کردی ایلامی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی کردی، سال ۵، شماره ۹.
- کریمی دوستان، غلامحسین (۱۳۸۱)، «ساختمان هجا در زبان کردی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال سی و پنجم، شماره اول و دوم، صص ۱۳۵-۱۴۸.
- کلباسی، ایران (۱۳۶۲)، گویش کردی مهاباد، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ملکی، ناصر (۱۳۹۳)، «بررسی واژه‌های دامداری در گویش کردی کلهری»، ضمیمه نامه فرهنگستان، جلد اول، شماره سوم، صص ۵۷-۶۳.
- نائل خانلری، پرویز (۱۳۹۱)، راهنمای گردآوری گویش‌ها برای گنجینه گویش‌های ایرانی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ولی‌پور، عبدالله و رقیه همتی (۱۳۹۵)، «میانجی‌های زبان فارسی»، رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۱۹، صص ۶۶-۷۶.

انگلیسی

- Al-kayed, Murad Mohammad. (2015). The Study of Phonological Processes in Al Adwan Dialect (ADW) within the Moraic Theory Framework. *Anglisticum Journal (IJLLIS)*, Volume 4, issue 6, Page 103-95.
- Bleung, Cynthia and Ebrice, Alejandro. (2012). An Analysis of Phonological Processes Involved in Spoke English OF Hong Kong Primary Preservice Teachers. *Language Testing in Asia*, Volume Two, Page 60-42.
- Brown, A., & Smith, J. (2021). A Comparative Study of Phonological Processes in Kurdish and Persian Dialects. *Linguistic Research Quarterly*, 140-123, (2)15.
- Hayes, B. (1989), "Compensatory Lengthening in Moraic Phonology". *Linguistic Inquiry*. -253 :20 306.
- Hyman, L. (1985), *A Theory of Phonological Weight*, Foris, Dordrecht.
- McCarthy, John. And A. S. Prince (1993). Generalized alignment. In John A. Goldsmith (ed), *Phonological Theory: The Essential Readings*, Oxford: Blackwell, 136-102.
- Smith, J., & Colleagues. (2019). Moraic Analysis of Phonological Processes in Kurdish Dialects. *Journal of Phonological Studies*, 67-45, (3)12.